

■ **براتی پور** از نسل شاعران معلم است و به همین اعتبار شاعری فروتن، بی تکلف، ساده و صمیمی. یکی از کارهای قابل ستایش او در عرصه شعر و ادبیات، توجه به بُعد اخلاقی، تعلیمی و آموزشی شعر است

نگاهی اجمالی به زندگی و کارنامه ادبی شاعر پیشکسوت انقلاب «عباس براتی پور»

چهارشنبه‌های دوست‌داشتنی

راه باغ آرزو گم کرده‌ام
بوی او را کوبه کو گم کرده‌ام
شاخ عریانم که از جور خزان
برگ و بار و رنگ و بو گم کرده‌ام
آسمان دیدم ابری شده ست
آفتابی پیش رو گم کرده‌ام
سوختم، اما نیاوردم به لب
عقده دل در گلو گم کرده‌ام
دل که در آغوش جلم جای داشت
در خم گیسوی آبرو گم کرده‌ام
در خمار مستی و شوریدی
هم پیاله، هم سبو گم کرده‌ام
یافتم در خاک کوشش آبرو
تا نگویی آبرو گم کرده‌ام
با همه آشفته‌حالی سرخوشم
خویش را در جست‌وجو گم کرده‌ام^۱

رضا اسماعیلی: استاد عباس براتی‌پور از شاعران نام‌آشنا،

پیشکسوت و تأثیرگذار نسل اول انقلاب اسلامی است که اصطلاحاً به شاعران دهه ۶۰ معروف شده‌اند؛ شاعری که به‌رغم قرار گرفتن در هشتمین دهه عمر پرپرکت خویش، همچنان حضور ی بانشاط و فعال در عرصه فعالیت‌های فرهنگی – ادبی دارد. وی از فرادی پیروزی انقلاب تاکنون به واسطه مدیریت جلسات ادبی حوزه هنری که چهارشنبه‌ها تشکیل می‌شد و اداره جلسات سالانه دیدار شاعران با رهبر انقلاب (به مدت ۱۳ سال)، حضوری فعال و تأثیرگذار در عرصه شعر و ادبیات انقلاب اسلامی داشته است. وی بعد از جدایی و کناره‌گیری گروهی از شاعران و هنرمندان از حوزه هنری در سال ۶۶، همچنان به همکاری خود با این نهاد فرهنگی ادامه داد که این همکاری تا چندنی پیش ادامه داشت. تاسیس کانون شاعران جانباز و برگزاری جلسات شعرخوانی و نقد ادبی در این کانون به مدت ۷ سال، دبیری صفحات ادبی روزنامه رسالت با عنوان «گلشن راز» به مدت ۲۱ سال و عضویت در هیأت‌مدیره انجمن قلم از دیگر مسؤولیت‌های براتی‌پور در طول سالیان بعد از انقلاب بوده است.

■ **چهارشنبه‌های دوست‌داشتنی**

بسیاری از شاعران جوان دیروز که امروز در وادی شعر و ادبیات از نام و نشانی ارچمند و شایسته برخوردارند، از شاگردان دانش‌آموختگان مکتب شعری استاد براتی‌پور هستند.

چنانکه اشاره شد، استادان براتی‌پور بیش از ۲ دهه مسؤولیت جلسات نقد شعر حوزه هنری را بر عهده داشت؛ جلسات راهگشا و ارزشمندی که خروجی و برپوندان آن هزاران شاعر توانمندی است که امروز در عرصه ادبیات معاصر برای خود جایگاهی درخور و شایسته دارند.

جلسات نقد شعر حوزه هنری که چهارشنبه هر هفته با حضور جمعی از مشتاقان و نوآموزان شعر، با مدیریت براتی‌پور در حوزه هنری برگزار می‌شد، جلساتی پرپرکت و امیدآفرین بود. در این جلسات، علاوه بر شاعران جوان، تعدادی از استادان و نام‌آوران شعر انقلاب نیز به صورت افتخاری شرکت می‌کردند و به افتخام فرصت، به ارائه مباحث نظری در حوزه شعر و خواش جدیدترین سروده‌های خویش می‌پرداختند.

به همت بلند جناب براتی‌پور، این چهارشنبه‌های دوست‌داشتنی به صورت مستمر بیش از ۲ دهه‌ادامه یافت. حضور پیر و پیشکسوتی چون براتی‌پور در مقام مسؤول و مدیر جلسه، شوق شرکت در این جلسات را برای شاعران نوآموز دوچندان می‌کرد. از دلایل موفقیت این جلسات – علاوه بر حضور معلمانه و پدرا نه جناب براتی‌پور – نظم در برگزاری جلسات به صورت هفتگی، ارائه مباحث نظری به صورت پراکنده توسط استادان، شعرخوانی شاعران پیشکسوت و جوان و بیان نقاط قوت و ضعف اشعار در قالب نقد بود که این جلسات را به یک پایگاه تأثیرگذار ادبی تبدیل کرده بود. بی‌شک نسل شاعران امروز خاطرات بسیار شیرینی از آن «چهارشنبه‌های دوست‌داشتنی» دارند که برای بررسی سیر تکوینی و روند تکاملی ادبیات انقلاب، ثبت و ضبط این خاطرات در قالب «تاریخ شفاهی»، به منظور هموار کردن بدرستی به آن اشاره می‌کند.

مسیر بالندگی شعر انقلاب ضرورتی انکارناپذیر است. ضرورت تدوین آنتولوژی و تاریخ شفاهی شعر انقلاب، دقیقه‌ای است که رهبر معظم انقلاب نیز در دیداری که با مسؤلان دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری در سال ۱۳۹۲ داشتند، بر آن تأکید کردند. در این دیدار امین شعر انقلاب بر کلیدواژه‌هایی چون برنامه‌ریزی برای انتشار آثار مکتوب خوب در قالب محصولات هنری، توزیع فراگیر و روشمند محصولات تولیدشده، لزوم ترجمه آثار فاخر ادبیات انقلاب و مقاومت به زبان‌های خارجی، وارد کردن ادبیات مقاومت و انقلاب به فضاهای دانشگاهی و ضرورت تجلیل از آثار باارزش و عناصر برجسته فعال در حوزه ادبیات مقاومت و انقلاب اسلامی تأکید کردند.

■ **«براتی‌پور» به روایت «براتی‌پور»**

استاد براتی‌پور درباره ورود خود به وادی ادبیات و دنیای شعر و شاعری می‌گوید: «در چهاردهمین روز اردیبهشت سال ۱۳۲۲ در تهران به عنوان سومین فرزند خانواده چشم به جهان سراسر روشنایی گشودم. دوران طفولیت را در دامان پر مهر و محبت مادر با ترانه‌ها و زمزمه‌های اشعار باباطاهر و آنچه مادران برای به خواب بردن کودکان خود می‌خواندند سپری کردم..»

دوران دبستان را سپری و در اواخر دوران دبیرستان به شعر روی آوردم. اگرچه رشته ریاضی را برگزیده بودم ولی با اشعار سعدی و حافظ انس بیشتری داشتم. مشکلات مالی این اجازه را نداد که به دانشگاه راه یابم. لذا در آبان‌ماه ۱۳۴۱ به استخدام نیروی هوایی درآمد. یک سال بعد برای طی دوره آموزشی به کشور آمریکا اعزام و در رشته الکترونیک به تحصیل پرداختم. پس از یک سال و نیم اقامت در خارج به وطن بازگشتم. در سال ۱۳۴۶ به مشهد مقدس منتقل شدم. در مشهد فرصتی یافتم تا به‌انجمن ادبی فردوسی به ریاست مرحوم استاد عبدالعلی نگارنده با استادیانی چون مرحوم احمد کمال‌پور، مرحوم فلرامضار قدسی و سایر شاعران بزرگوار آشنا شده و از محضر آنان بهره‌مند شوم. اگرچه کار فنی با ذوق ادبی مغایر بود ولی از مطالعه و سرودن شعر غفلت نمی‌ورزیدم.. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۰ به جمع شاعران حوزه هنری که آن زمان «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» بود راه یافتم و از محضر استاد فقید «پهراد اوستا» و سایر شاعران ارجمند بهره بردم. حوزه هنری به‌سرپرستی حجت‌الاسلام جناب آقای زم، جایگاه مناسبی برای رشد و شکوفایی استعداد‌های هنری و ادبی جوانان مستعد آن زمان بود و در زمینه‌های مختلف هنری توانست هنرمندان و شاعران موفقتری را پرورش دهد. اردیبهشت سال ۱۳۷۲ در حه سرهنگی بازنشسته شدم و از آن تاریخ مسؤولیت گروه شعر حوزه هنری را به عهده گرفتم. اگرچه پیش از این در سال ۱۳۶۷ مسؤولیت جلسات نقد و بررسی شعر حوزه هنری را عهده‌دار بودم که این مسؤولیت تا زمان حال ادامه دارد. این جلسات روزهای چهارشنبه هر هفته پذیرای حضور شاعران است. مجموعه شعرهایی که از بنده به چاپ رسیده عبارتند از: «بهت نگاه»، «دل و دریا»، «گزیده ادبیات معاصر» و.. . ۲ مجموعه شعر دیگر با عنوان «آتش‌سوران» منتشر شده است. شامل سروده‌های مربوط به دفاع‌مقدس و دیگری گزیده اشعار است که آماده چاپ است.»^۲

■ **جلسات نقد و بررسی حوزه هنری**

براتی‌پور بیش از ۲ دهه مسؤولیت جلسات ادبی حوزه هنری را بر دوش داشته است. از آنجا که من نیز با افتخار چند بار توفیق حضور در این نشست‌ها را پیدا کرده‌ام، درباره دامنه تأثیرگذار ی این جلسات در کشف و شناسایی شاعران جوان باید بگویم که این جلسات از معدود جلسات ادبی سالم و بی‌حاشیه بعد از انقلاب بود که شاعران شاخص و برجسته‌ای را به جامعه ادبی معرفی کرد. استمرار ۲۰ ساله این جلسه ادبی نشانگر موفقیت استاد براتی‌پور در مدیریت آن است. بدون‌شک حضور شاعرانی از همه طیف‌های ادبی در جلسات نقد و بررسی شعر حوزه هنری به خاطر حسن سلوک، روحیه پدرا نه و سه‌صدر بالای استاد براتی‌پور بود.

این جلسات یکی از منظم‌ترین و پایدارترین نشست‌های ادبی بعد از انقلاب بود که باعث رونق و پویایی شعر انقلاب و دفاع‌مقدس می‌شد. این میزان از اقبال و استقبال، به ویژگی‌های

اخلاقی و شخصیتی استاد براتی‌پور برمی‌گردد که عاشقانه و بی‌هیچ چشمداشتهی بهترین سال‌های زندگی‌اش را وقف خدمت به شعر و ادبیات انقلاب کرد.

■ **هم‌نسل شاعران «دفاع مقدس»**

وجه تمایز براتی‌پور با دیگر شاعران انقلاب اسلامی، تعلق خاطر شدید او به حوزه شعر دفاع مقدس و ایثار و شهادت – بویژه شعر جانباز – است. چنانکه خود بارها و بارها تأکید کرده است که «هنوز هم‌فلس جانبازان هستم». دامنه و دایره این تعلق خاطر چنان گسترده است که به همه شعرهای او طعمی از ایثار و شهادت بخشیده است. نمونه‌های زیر گواه صادقی بر این ادعاست:

ماییم سروهای به خون خفته

ماییم لاله‌های گریبان چاک

رقیتم تا که باغ بماند سبز

رقیتم تا که عشق بماند پاک

■

باران عاشق گذشتند، در مرز سرخ شهادت

بردند داغ فراقت تا وسعت لاله‌زاران

■

برخیز و بین تلاطم طوفان نوح را

هنگامه حماسه فتح‌الفتوح را

■

کوله‌باری که پیش ما مانده‌ست

یادگاری‌ست که از تو جا مانده‌ست

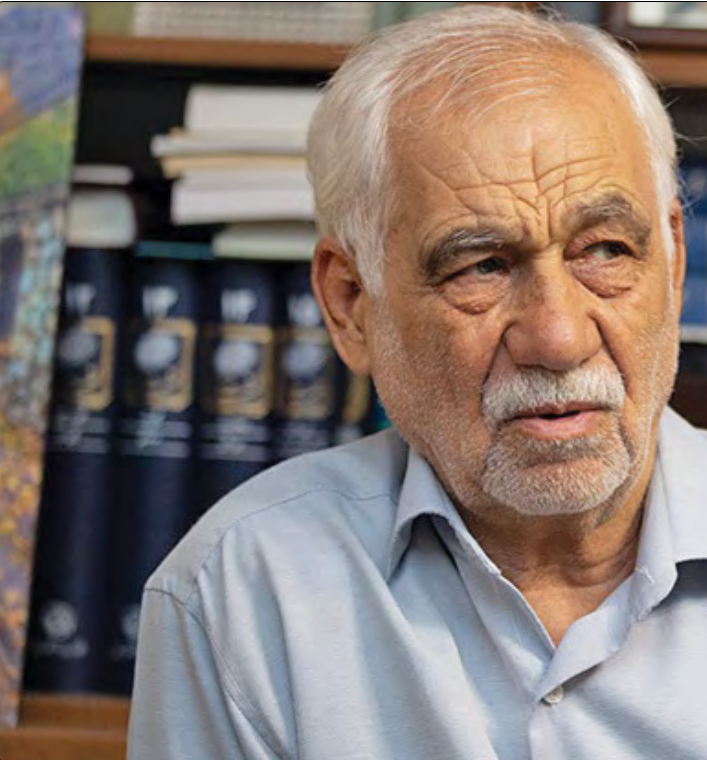
آن تن پاک تر ز عطر نسیم

کس چه داند که در کجا مانده است

در میان هزارها گل سرخ

یا که در بین لاله‌ها مانده است

چهره ماندگار و پیشکسوت ادبیات انقلاب که کارنامه پر و پیمانی در حوزه شعر ایثار‌گران و جانبازان دارد، درباره انگیزه ورود خود به این حوزه می‌گوید: «سال‌ها پیش معلولت فرهنگی بنیاد جانبازان از من دعوت کرد آثار برخی شاعران جانباز را گردآوری کنم. هنگامی که کار آغاز شد، فهمیدم تعداد جانبازانی که شاعرند در حدی هست که کانون شعرای جانباز را تاسیس کنم. این کانون سال ۷۴ تاسیس شد و ماحصل آن ۲ مجموعه شعر بود. نخستین مجموعه شعر «اشقایق‌ها، برادر» نام داشت که شامل اشعار ۵۰ شاعر جانباز از جمله ۵ غزل از رهبر معظم انقلاب بود و پس از آن «سرستان وصال» منتشر شد که شامل ۳۵ شعر از جانبازان و از جمله ۳ غزل تازه رهبر معظم انقلاب بود. همچنین مجموعه‌هایی به نام‌های «کتیبه‌شکیب»، «سینای سبز عشق» و «در وادی حیرت» از شعرای دیگر درباره جانبازان منتشر کردیم که با تغییر مدیریت، واحدهای شعر و داستان تعطیل شد اما من



همچنان با هنرمندان جانباز در ار تباط هستم.»

این ویژگی ممتاز نشانگر آن است که براتی‌پور برخلاف بسیاری از شاعران روزگار ما که به اعتبار «موضوع» شاعر دفاع‌مقدس و پایداری شناخته می‌شوند، به اعتبار «موضع» و بر اساس اعتقاد باوری که به انقلاب و ارزش‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی دارد در وادی شعر دفاع‌مقدس گام برمی‌دارد؛ شاعر آرمان‌خواه و متعهدی که پیش و پیش از آنکه به دنبال قافیه‌بازی و صورت‌سازی باشد، به دنبال آیینه‌سازی و حقیقت‌ترازی است. از شاعر متعددی چون براتی‌پور که دانش‌آموخته مکتب بزرگانی چون سعدی، حافظ و مولاناست، انتظاری نیز جز این نمی‌رود که در روش و منش اعتقادی و سلوک دینی، چشم بر باطن و سیرت داشته باشد، نه بر ظاهر و صورت، و شعری بگوید برخاسته از بصیرت و حقیقت.

■ **براتی‌پور و شعر آیینی**

استاد براتی‌پور که مجموعه اشعار آیینی خود را در دفتری مستقل با عنوان «غوثی‌ها» به چاپ سپرده است، در حوزه شعر دینی و آیینی نیز دیدگاه‌های قابل تاملی دارد. در ذهن و زبان این شاعر ولایی، «معرفت» مؤلفه اصلی شعر آیینی فاخر و ارجمند است، چنانکه در مصاحبه‌ای که با سایت سازمان تبلیغات اسلامی در تاریخ ۱۸ مهرماه ۹۷ داشته است، در پاسخ به این سوال که شاعران آیینی چه مواردی را باید در ستایشگری اهل‌بیت (علیهم‌السلام) رعایت کنند، با تأکید بر «معرفت‌افزایی» و رعایت «دب و آداب عزاداری» می‌گوید: «بیشتر شاعران بُعد مرثیه‌سرایی را چنان بیان می‌کنند تا به هر نحوی که می‌توانند اشک بگیرند. اغلب این مرثیه‌سرایی‌ها در شأن ابا‌عبدالله(ع) نیست. در مقاتل معتبر می‌خوانیم که حضرت سیدالشهدا(ع) شب پیش از واقعه عاشورا به اهل بیتش گفت هنگام کشته شدن من بلند گریه نکنید، پیراهن چاک ندهید و اگر دشمن نزد شما آمد زبور الاکتان را به زمین بریزید تا هر چه می‌خواهد بردارد و برود. در واقع حضرت امام حسین(ع) نمی‌خواستند دشمن شاد شوند. این نکته امروز هم صائق است که نباید به گونه‌ای عزاداری کنیم که وهن به ساخت این بزرگان باشد. در یکی از تکایا یک بار دیدم که می‌گویند «زیب مضطر الوداع الوداع». معنی درست «مضطر» بیچاره است. در حالی که چنین تلقی و کاربرد الفاظ از سوی مداحان ما کار درستی نیست. آنها خاندان عصمت و خلوانه امیرالمؤمنین(ع) هستند و به همین دلیل باید در انتخاب واژه‌ها دقت کرد. امروز شعرهای عاشورایی زیادی سروده می‌شود که اغلب آنها سست است.. شاعری که در رثای خاندان رسالت و امام حسین(ع) شعر می‌سراید، باید آشنایی کامل با موضوع داشته و مطالعه نسبتاً غنی، عمیق و پر و پیمانی درباره فرهنگ اسلام و عاشورا کرده باشد. کتاب‌هایی که درباره قیام عاشورا و حضرت



یک‌علی میان ۲ حسین

«حسین غلام». با تعجب پرسید: «یعنی غلام فیلیلی شماشست؟» باز با همان غرور بازمانده از روزگار جاهلیت گفتم: «ما فیلیلی من رفیقی است! اما همه بچه‌های شهر، خاصه منطقه حصارخان به خودی اسم حسین غلام می‌شناسندم». لیخنندی زد که تا عمق جانم نشست و گفت: «فقط غلام حسین باش!»

کتاب، به‌رغم یک پای نداشت‌ه راوی، توان خوبی برای دودیدن صفحاتش دارد. حکایت‌شوخی‌های به‌همراه ترانه‌سرایی‌های گاه و بی‌گاه راوی چاشنی حال خویشی است که هنگام مطالعه کتاب به خواننده منتقل می‌شود؛ «مضان مصباح، مثل من بچه هادت بود. فلق کار را می‌دانست. طناب را برداشت و نزدیک شد. آرام دستی سر حیوان که نفس نفس می‌زد، کشید. طناب را به دور گردنش انداخت. علی آقا گفت: «برای سلاطنتی این قهرمان، صلوات!» شیطنت کردم و گفتم: «برای رمضان یا قاطر؟!». علی آقا ابرو گره کرد. حرفی نزد اما فهمیدم برام آشی

در ذهنش پخت. گفت: «مضان! قاطر را بده تحویل حسین، همه سوار توپوتا شوند. حسین باید پیاده یابید». معمولاً خاطرات روزمذگانی که در اطلاعات عملیات مشغول بوده‌اند به خودی خود جذاب است؛ خاطراتی که در سکوت و اغلب در دل شب رقم می‌خورد و همواره ناگفته‌هایی در بر دارد. از ناشدنی‌ها و نامسکمن‌ها به همان شگفتی که «حسین غلام» می‌تواند «غلام حسین» شود. «اول خودم قلب قلب آب قمقمه را روی خاک ریختم. کسی اعتراض نکرد. من هم همین را می‌خواستم. وقتی مطمئن شدم کسی آب ندارد، گفتم: «گاهی در جنگ شرایط اقتدر بحرانی می‌شود که شما یاد کر بلامی‌افتید و آفتاب برای‌تان روضه می‌خواند آن وقت شما به جای قمقمه باید از سرچشمه زلال مکتب سیدالشهدا و ابوالفضل العباس نوشیده باشی که کم نیآوری. حالا تمرین آن روزهاست». این همان راهی است که نویسنده در ابتدای کتاب آن را ترسیم می‌کند، «راه کربلا»

چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۰

وطن امروز | شماره ۳۲۹۸

شعر و ادب



سیدالشهدا(ع) و باران باوفای‌شان نوشته شده است، می‌توانند در این بین به شاعر عاشورایی کمک شایانی کند. به گمانم قرینه شعری در زمینه شعر آیینی لازم است اما شرط کافی برای ورود به این حوزه نیست.»

خالق مجموعه شعر «غوثی‌ها» در طول سال‌های شاعری‌اش به شعر دینی و آیینی تعلق خاطر خاصی داشته و همواره با خلق آثاری ارجمند و فاخر در مسیر زایندگی و بالندگی ابن جریان پویا گام برداشته است. غزل زیر یکی از انتظار سروده‌های زیبای اوست:

ای در هوای تو جاری،
عطر نسیم بهاران
اوی گرم کلامت،
پیچیده در کوچ‌ساران
در خانه‌های دل ما،
عشق تو ماوا گزیدم‌ست
شوق وصال تو برده‌ست،
تاب از دل بی‌قراران
با مرغ غم همنوائیم،
در این کویر عطش خیز
ای ابر رحمت!
به رقص آره، شولای بشکوه
باران
باران عاشق گذشتند از مرز سرخ شهادت
بردند داغ فراقت تا وسعت لاله‌زاران

آهنگ ماندن نذاریم،
به این غم خانمان سوز
دوران به کام کلاغان،
آتش به جان هزاران
تا چند باید نشستن،
در کنج ویرانه غم؟!
تا چند باید ببینیم،
بر گنج‌ها نقش ماران!
خون دل از دیده جاری‌ست مستضعفان
جهان را بر سینه‌شان زخم کاری از خنجر نابکاران
بر عرصه خون و شمشیر،
چون پا نهی بهر پیکار
ریزند سر پیش پایت،
از بیم جان تک‌سوران
در این غروب غم‌انگیز،
در غربت زرد پاییز
کی می‌رسد دست‌هامان
بر شال سبز بهاران؟
پیداست کز ره می‌آیی،
غم‌ها از دل می‌زایی
آغوش خود می‌ششایی
بر روی چشم‌انتظارن

■ **شاعری در کسوت معلمی**

براتی‌پور از نسل شاعران معلم است، و به همین اعتبار شاعری فروتن، بی تکلف، ساده و صمیمی. یکی از کارهای قابل ستایش او در عرصه شعر و ادبیات، توجه به بُعد اخلاقی، تعلیمی و آموزشی شعر است، زیرا شعر و شاعری برای او هدف نیست، بلکه ابزار و وسیله‌ای است برای ترویج آموزه‌های اخلاقی، دینی و انقلابی، و این از شاعری که پرورش یافته مکتب انقلاب و امام است، امری دور از انتظار نیست. به خاطر حسسر و اثرگذاری که بر براتی‌پور عزیز در طول سال‌های گذشته داشته‌ام، از زبان ایشان بسیار شنیده‌ام که «شاعری، کار گل نیست، کار دل است». شاعر باید با خلوص در این راه گام بردارد و هنرش را اززان نفروشد. من این جملات را در مصاحبه‌ای از ایشان خواندم که دوست دارم برای خودم تکرار کنم: «شاعر با دلش کار می‌کند. شاعر به خاطر سکه و صله و این حرف‌ها شعر نمی‌گوید. ما آن موقع که جبهه می‌رفتیتم و شعر می‌گفتیم برای دل‌مان بود. برای تمهیدی که داشتیم می‌گفتمیم. هیچ انتظاری هم نداشتم. حالا که می‌خواهند قدردانی اینچنینی کنند، من با یک بُعد آن بسیار مخالفم. از ابتدا می‌بینیم که یک تعداد خاصی شاعر هستند که هر وقت صحبت جوایز ادبی می‌شود به اینها تعلق می‌گیرد؛ پس بقیه چه؟ اینها مزد خودشان را گرفته‌اند و دیگر طلبکار هم نیستند! اما آنها که نگرفته‌اند و نخوابسته‌اند که بگیرند، با خدا معامله کرده‌اند. با شهدا معامله کرده‌اند.»

با آرزوی سلامتی و طولول عمر با عزت برای این استناد پیشکسوت شعر انقلاب، به عنوان حُسن ختام، مشام جان‌مان را با زمزمه غزل زیبای دیگری از ایشان گلبو می‌کنیم: «پریده رنگ تر از آفتاب پاییزم که در هوای مه‌آلود اشک می‌ریزم شکسته بال و پرهم، تا مرا آمان ندھی ز من مخواه کزین آستانه برخیزم شکوه روی تو خاموش کرده است مرا وگرنه از غزل و از ترانه لبریزم اسیر دست زمانه، ولی نمی‌دانم چگونه از غم و درد زمانه بگریزم مرا ز گریه بکریز دل آمان ندهد چراغ اشک به دروازه دل آویزم طنین نمحه جانبخش توست در گوشم هنوز سرخوش از آن نمعه دل‌انگیزم»^۳

پاوش

۱ – عباس براتی‌پور، حماسه‌های همیشه، مؤلف: پرویز بیگی حبیب‌آبادی، جلد اول، تهران، صریر، چاپ اول، ۱۳۸۲
۲ – عباسعلی براتی‌پور مشهور به عباس براتی‌پور ۱۴ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۲۲ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به انجام رسانید و در رشته ریاضی دبلم گرفت. وی سال ۱۳۴۱ به استخدام نیروی هوایی درآمد و از اواخر دوران تحصیل در دبیرستان به شعر و شاعری پرداخت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حلقه شاعران حوزه هنری پیوست و به طور جدی به سرودن شعر در قالب‌های سنتی ادب پارسی پرداخت. از آثار اوست:

بهت نگاه (حوزه هنری)، گزیده ادبیات معاصر (شماره ۲۴)، تا طلوع گل سرخ (تک، دل) و در یا (سوره مهر)، آتش‌سوران (شعرهای دفاع مقدس)، غوثی‌ها (شعرهای آیینی)، نقش مستوری، الغبای عشق

۳ – خلوت انس، مؤلفان: مشفق کاشانی و رضا اسماعیلی، جلد دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۸۸ تا ۹۲
۴ – براتی‌پور، عباس، خلوت انس، مؤلفان: مشفق کاشانی و رضا اسماعیلی، جلد دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۹۱ و ۹۲

